

کودکان کار

فاطمه قاسم زاده



مسأله‌ی اشتغال کودکان در جهان و ایران، واقعیتی دردناک است که کم‌تر به آن توجه شده است و تا زمانی که فقر، ناآگاهی و نابرابری وجود دارند، ما با مشکل کار کودکان روبرو خواهیم بود. زیرا کودکان به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که بخش قابل توجهی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند، همیشه بخشی از بار سنگین زندگی خانوار را بر سر مرش می‌کشند و از آن‌جا که نمی‌توانند مانند بزرگسالان از خود دفاع کنند و کسی نیز به حمایت آنان بر نمی‌خیزد، بیش‌تر مورد بهره‌کشی و استثمار والدین و کارفرمایان قرار می‌گیرند. در جهان بر اساس آمارهای صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، ۲۵۰ میلیون کودک به کار اشتغال دارند که بیش‌تر در کشورهای آسیایی و آفریقایی زندگی می‌کنند و بیش از یک سوم آن‌ها به کارهای خطرناک و زیان‌بار مشغولند.^۱ در کشور ما، آمار مشخصی در زمینه‌ی کار کودکان وجود ندارد. مسأله اشتغال کودکان نیز مانند کودک آزاری، کودکان خیابانی، کودکان بزه‌کار و سایر کودکانی که به نوعی در معرض آسیب‌های بیش‌تری قرار دارند، نه تنها مورد توجه جدی قرار نگرفته و برای کاهش آن‌ها اقدامات جدی صورت نگرفته، بلکه گاهش آن‌ها اقدامات نادرستی صورت گرفته است، بلکه حتا در حد جمع‌آوری آمار و اطلاعات نیز، توجه مسئولان را به خود جلب نکرده است.

از این رو، نداشتن آمار و اطلاعات در مورد هر پدیده‌ی اجتماعی، به معنای نبود آن پدیده نیست، بلکه به معنای کم توجهی، مهم ندانستن و عدم حساسیت به آن پدیده است. با این حال در زمینه‌ی کار کودکان، آمارهای پراکنده وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

مطابق آمارهای رسمی، ۱/۳ درصد کودکان ۶-۱۴ سال به کار اشتغال دارند. این رقم در مناطق روستایی ۲/۴ و در شهرها ۰/۵ درصد است.^۲ این آمارها بر حسب استان‌های کشور متفاوت است.

بر اساس آمار سرشماری ۱۳۷۵، بیش از ۴ درصد جمعیت شاغل کشور را گروه سنی ۱۰-۱۴ سال تشکیل می‌دهند. بر اساس همین آمار کل جمعیت شاغل کشور، ۱۴/۵ میلیون نفر است که ۴ درصد آن حدود ۶۰۰ هزار نفر می‌شود.^۳ البته کودکان زیر ۱۰ سال نیز به کار اشتغال دارند که در این آمار محاسبه نشده است. از طرف دیگر با افزایش عوامل مؤثر در اشتغال کودکان (فقر، مهاجرت و...) مسلماً این

ارقام نیز در حال حاضر افزایش یافته است. آمارهای دیگری نیز وجود دارد که می‌توان با توجه به آن‌ها میزان تقریبی کودکان شاغل را تخمین زد. هر سال درصدی از کودکان ترک تحصیل می‌کنند. بیش‌تر کودکان خیابانی که تعداد آن‌ها به دلایل مختلف در حال افزایش است، به کارهایی مانند فروش گل، آدامس، روزنامه، بادکنک و... مشغول هستند. بیش‌تر کسانی که در کارگاه‌های قالی‌بافی به کار اشتغال دارند، کودکان زیر ۱۴ سال هستند. در گزارشی از یک کارگاه قالی‌بافی در خوی، سن کودکان قالی‌باف ۷ تا ۱۵ سال بوده است، که روزی ۱۲ ساعت در شرایط نامناسب از نظر نور و هوا به کار مشغول بوده‌اند.^۴ اخباری که گاه با هدف تشویق کودکان قالی‌باف در جراید منتشر شده، نشان دهنده‌ی سن کم، و کار دشوار این کودکان است: در سال ۷۱، یک دختر ۹ ساله مقام اول بافندگی فرش را کسب کرد. در سال ۷۴، یک دختر ۱۲ ساله از ورامین در مدت ۸ ماه بافت یک فرش ۱۷ متری را به پایان رساند. در سال ۷۴، یک کودک ۵ ساله‌ی لرستانی یک استاد بافت شهر شناخته شد.^۵

به راستی آیا باید از این اخبار خوشحال بود یا اندوهگین؟ به نظر می‌رسد با صرف این موارد، آمار کودکان شاغل زیر ۱۴ سال در ایران، بسیار فراتر از رقم ۱/۳ درصد و یا ۶۰۰ هزار نفر است. ما در زمینه کار کودکان با فقدان آمار و اطلاعات روبرو هستیم. از طرف دیگر، این آمارها مربوط به کودکان زیر ۱۴ سال است. آمارهای مربوط به کودکان ۱۵-۱۸ ساله‌ی شاغل را که سن قانونی کار در ایران محسوب می‌شود، در اختیار نداریم چون جزء جمعیت شاغل کشور به حساب می‌آیند. اگر سن پایان کودکی را ۱۸ سالگی بدانیم، آمار کودکان شاغل، بسیار بالاتر از این ارقام خواهد بود. در مورد سن قانون کار در ایران، مطابق ماده ۷۹ قانون کار، به کارگماری کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است. برای کودکان شاغل ۱۵-۱۸ ساله، انجام معاینات پزشکی سالانه توسط سازمان تأمین اجتماعی، ضروری است.^۶

از طرفی مواد ۸۲-۸۳-۸۴ قانون کار، شرایط کار کودکان را که شامل ساعات کار، منع اضافه کاری، انجام کارهای خطرناک و زیان‌بار و کار شبانه است، مشخص کرده است.^۷ بر اساس ماده ۱۸۸ قانون کار، کار در کارگاه‌های خانوادگی، کارهای خانگی و به موجب ماده ۱۹۱، کار در کارگاه‌های کوچک زیر ۱۰ نفر،

شامل این مقررات نمی‌شود.^۸ در واقع استثمار کودکان توسط والدین و یا کارفرمایان کارگاه‌های کوچک، منع قانونی ندارد. در حالی که بسیاری از کودکان در این کارگاه‌ها به کار مشغولند و یا به کارهای خانگی می‌پردازند.

آنچه به اشاره آمد، تنها گوشه‌ای است از وضعیت کار کودکان. اما در یک جمع‌بندی کلی و در ارتباط با قوانین مربوط به کار کودکان، باید به نارسایی‌های زیر اشاره کرد:

۱. پایین بودن سن قانونی کار در ایران (۱۵ سالگی). ماده یک پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک که جمهوری اسلامی ایران نیز آن را پذیرفته است، سن پایان کودکی را ۱۸ سال در نظر گرفته است.^۹ در بسیاری از کشورها نیز همین سن ملاک عمل است.

۲. متفاوت بودن سن بلوغ در موارد مختلف برای کودکان؛ مثلاً ۱۵ سالگی برای کار، ۱۶ سالگی برای رأی دادن، ۱۸ سالگی برای سربازی، گواهی نامه و... ۹ سالگی برای دختران و ۱۵ سالگی برای پسران به عنوان سن پایان کودکی.

۳. زیر پوشش قرار نگرفتن کارگاه‌های کوچک (کم‌تر از ۱۰ نفر) در مورد رعایت شرایط کار کودکان در حالی که با توجه به نظام اقتصادی ایران، تعداد زیادی از کودکان در این گونه کارگاه‌ها به کار مشغولند و مورد استثمار و بهره‌کشی قرار می‌گیرند، جای شگفتی دارد.

علاوه بر این اشکالات قانونی، از نظر اجرای همین قوانین نیز با مشکلات فراوانی مواجه هستیم. به راستی آیا کودکان شاغل بالای ۱۵ سال مورد معاینات پزشکی منظم قرار می‌گیرند؟ آیا کار در کارگاه‌های قالی‌بافی جزء کارهای زیان‌بار برای کودکان نیست؟ آیا کار طولانی بچه‌های خیابان به آنان آسیب نمی‌رساند؟ و ده‌ها پرسش دیگر که بدون تردید پاسخ آن‌ها به نفع کودکان ما نخواهد بود.

موضوع مهم‌تر این که این قوانین در ارتباط با کسانی است که به سن قانونی کار (۱۵) سالگی رسیده‌اند. در مورد کودکان زیر ۱۴ سال منع قانونی وجود دارد. اما واقعیت این است که بسیاری از این کودکان به کار اشتغال دارند و تنها وضع قانون برای ممنوعیت کار آن‌ها، مشکل را حل نمی‌کند. برای این کودکان چه باید کرد؟

پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک در مواد ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ خود به حمایت از کودکان در برابر هر نوع استثمار، بهره‌کشی و سوءاستفاده

تأکید دارد. ماده ۳۲ اختصاص به کار کودکان دارد. به موجب این ماده:

۱. دولت‌های عضو، حق هر کودک را برای مصون ماندن از بهره‌کشی اقتصادی، انجام هر کاری که خطرناک به نظر برسد و یا در آموزش کودک ایجاد اختلال کند، یا به سلامتی کودک و رشد جسمی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب برساند، به رسمیت می‌شناسد.

۲. دولت‌های عضو برای تضمین اجرای این ماده اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را در زمینه‌های زیر به عمل خواهند آورد:

تعیین یک یا چند حداقل سن برای اجازه‌ی اشتغال

برای ساعات کار و شرایط اشتغال، مقررات مناسب تدوین کنند.

برای تضمین اجرای این ماده، جریمه‌های مناسب یا ضمانت‌های اجرایی دیگری مقرر کنند.^{۱۰}

در واقع، پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک با تأکید بر نقش و وظایف دولت‌ها در حمایت از کودکان در برابر هر نوع استثمار و بهره‌کشی، نظارت و مراقبت و مسئولیت بیش‌تری را برای دولت‌ها مطرح می‌سازد.

اشتغال کودکان و جنسیت

در مورد انواع کارهایی که کودکان به‌طور کلی و یا بر اساس جنسیت خود انجام می‌دهند مانند سایر زمینه‌ها، آمار و اطلاعات مشخصی وجود ندارد. اما بر اساس گزارش‌های موردی، بررسی انجام شده، مشاهدات و سایر شواهد و توانمندی‌های آنان در در سطح شهر و روستا فعالیت‌های کودکان را مشخص کرد. برخی از این فعالیت‌ها خاص پسران و بعضی دختران و تعدادی برای دختران و پسران مشترک است.

در مورد کار دختران و پسران، نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که بخش بزرگی از فعالیت‌های دختران را کارهای خانگی تشکیل می‌دهد که هیچ‌یک مزدی به آن تعلق نمی‌گیرد و در نتیجه نه تنها خود دختران با وجود پرداختن به کار، صاحب درآمدی نمی‌شوند، بلکه خانواده نیز آن‌ها را به عنوان منبع درآمد تلقی نمی‌کنند.

اهمیتی را که برای پسران قائل است برای آنان در نظر نمی‌گیرد. یکی از دلایل تبعیض بین دختر و پسر، این است که آنان به کارهایی می‌پردازند که به آن‌ها مزد تعلق می‌گیرد و در

نتیجه پسران به عنوان منبع درآمد خانواده از ارزش و اعتبار بیش‌تری برخوردار می‌شوند، در حالی که معمولاً کار دختران به ویژه در روستاها دشوارتر از کار پسران است.

بسیاری از کارهایی که کودکان به آن مبادرت دارند برای رشد و سلامت مناسب نیستند و زمینه را برای استثمار اقتصادی آنان فراهم می‌سازند. از طرفی در مورد بسیاری از این فعالیت‌ها، کنترل و نظارتی به‌منظور رعایت شرایط کار کودکان وجود ندارد. در برخی از موارد، والدین، کودکان خود را در ازای قرارداد به صاحبان کار و یا باندها اجاره می‌دهند. به نظر می‌رسد این باندها به ویژه در مورد کودکان خیابانی فعال هستند.

علاوه بر کارهای قانونی، برخی از کودکان از طریق همین باندها، درگیر فعالیت‌های غیرقانونی در ارتباط با مواد مخدر، سرقت و... می‌شوند.

در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک این نوع بهره‌کشی از کودکان نیز منع شده است:

ماده ۳۳: منع استفاده از کودکان در مورد قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان؛

ماده ۳۴: حمایت از کودکان در برابر هر نوع بهره‌کشی جنسی؛

ماده ۳۵: منع هر نوع خرید و فروش کودکان؛^{۱۱}

ماده ۳۶: حمایت از کودکان در برابر همه‌ی شکل‌های بهره‌کشی؛

از آنجا که این نوع فعالیت‌ها به سلامت جسمی و روانی کودکان آسیب‌های جدی وارد می‌سازد و مرجحات بزه‌کاری آنان را فراهم می‌کند جا دارد که برای کاهش و پیشگیری از آن‌ها اقدامات مؤثر به عمل آید. \diamond

پی‌نوشت

۱. وضعیت کودکان جهان. یونیسف. ۱۹۹۸.
۲. وضعیت کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران. یونیسف ۱۳۷۷.
۳. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. ۱۳۷۵. مرکز آمار ایران.
۴. گزارش «کودکان، قربانیان خاموش صنعت فرش» نقل از پایان‌نامه دانشجویی.
۵. خبرنامه‌ی انجمن حمایت از حقوق کودکان. شماره‌ی ۳.
۶. قانون کار جمهوری اسلامی ایران.
۷. همان.
۸. همان.
۹. حقوق کودک، شیرین عبادی.
۱۰. همان.
۱۱. همان.